

جامعیت قرآن از دیدگاه امام خمینی (س)^۱

فیض‌اله اکبری دستک^۲

چکیده: مسئله جامعیت قرآن از جمله موضوعات مهم و بنیادی است که تا حدودی در آراء و نظرات شماری از مشاهیر مفسرین فریقین انعکاس یافته است. اما به رغم اذعان و اعتقاد جازمی که عموم اندیشمندان اسلامی نسبت به این موضوع روا داشته‌اند، از یکسو باید اعتراف نمود که مسئله جامعیت قرآن، هیچ‌گاه به‌طور مستقل و مستوفی در دستور کار مطالعاتی قرآن پژوهان مسلمان قرار نگرفته و در مواردی هم که از این مقوله سخن گفته‌اند، همواره تابع و تحت‌الشعاع مبحث تفسیر علمی آیات واقع شده است و از سوی دیگر در تبیین مفهوم جامعیت قرآن و تعیین دامنه و گستره آن با یکدیگر مناقشه نموده‌اند، به گونه‌ای که عده‌ای بر جامعیت مطلق و حداکثری و برخی دیگر بر جامعیت خاص و اعتدالی قرآن رأی داده‌اند. این در حالی است که در میان اندیشه و ران اسلامی، امام خمینی را باید از جمله معدود عالمانی دانست که در آراء و آثار قرآن‌شناختی خویش از جامعیت قرآن با نگرشی خاص، واقع بینانه، مبتکرانه و در عین حال کاربردی سخن رانده که چنین باور و بینشی در نگاه‌ها و نگاه‌ها و نگاهی‌ها هیچ یک از متفکرین شیعه و سنی در ادوار مختلف تاریخ تفسیر قرآن به چشم نمی‌خورد. لذا تبیین اندیشه‌های قرآن‌شناختی امام خمینی با تأکید بر تمرکز بر مسئله جامعیت قرآن و ترسیم ابعاد و مؤلفه‌های آن، از اهداف اساسی این مقاله است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، امام خمینی، جامعیت، هدایت، دیدگاه‌ها، مفهوم‌شناسی، گستره

۱. این مقاله از طرح پژوهشی نگارنده با عنوان «جامعیت قرآن و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی در دیدگاه امام خمینی (س)» که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به تصویب و انجام رسیده، تنظیم و استخراج گردیده است.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

E-mail: F.Akbari@Kiau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۱۴

پژوهشنامه متین/سال هفدهم/شماره شصت و هفت/تابستان ۱۳۹۴/صص ۲۲-۱

(۱) مقدمه و طرح مسئله

یکی از مسائل مهم و اساسی در حوزه علوم قرآنی که ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با فهم و تفسیر قرآن نیز دارد، مقوله جامعیت قرآن است. خصوصیتی که باعث شد قرآن کریم به عنوان آخرین و کامل ترین کتاب مقدس آسمانی، افزون بر سایر اختصاصات و امتیازات خویش از ویژگی و امتیازات دیگری برخوردار شود که هیچ یک از کتب آسمانی پیشین از چنین منزلت و امتیازاتی بهره مند نبوده اند. همچنان که خداوند در قرآن کریم صراحتاً در دو سوره متفاوت و بر دو اسلوب متغیر بر جامعیت و فراگیر بودن قرآن اشاره نموده اند: نخست آنجا که از رهگذر اسلوب ایجابی از مقام تبیان بودن قرآن در کنار سایر مقامات آن همانند هدایت، رحمت و بشارت سخن گفته و جامعیت کتاب وحی را بیان کرده اند: «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) و دوم در آیه ای که از جنبه سلبی بدان پرداخته و هرگونه تفریط و کوتاهی در عرضه و بیان امور از ساحت این کتاب، منتفی و میرا دانسته و در عین حال شمول و فراگیر بودن قرآن را به اثبات رسانیده است: «... مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۳۸). بر همین مبنا، عموم متفکرین اسلامی از فریقین با استناد و تکیه بر همین دو آیه کلیدی و نیز سایر ادله نقلی و عقلی قرآن شناختی، همواره از جامعیت قرآن سخن به میان آورده و با اقامه دلایل و شواهد گوناگون به دفاع از این بعد از منزلت و مکانت اختصاصی قرآن پرداخته اند، ولی این اذعان عمومی نسبت به استعمال فراگیر قرآن و دفاع از آن، بدان معنا نیست که عموم مفسرین و قرآن پژوهان مسلمان، تلقی و فهم یکسان و مشترکی از مدلول و مفهوم جامعیت قرآن به ویژه دامنه و وسعت این جامعیت داشته باشند، بلکه آنچه محل بحث و مناقشه است دامنه و قلمرو این جامعیت است که دیدگاه گروهی از دانشمندان اسلامی متفاوت و گاهی برخلاف آن چیزی است که سایر عالمان مسلمان بدان اعتقاد و اذعان دارند به گونه ای که برخی از آنان، جامعیت قرآن را جامعیتی مطلق و عام دانسته و معتقدند که دامنه این جامعیت به حدی است که افزون بر دانش های الهی، تمام علوم بشری نیز در قرآن وجود دارد. در مقابل، دسته ای دیگر از دانشوران جامعیت قرآن را جامعیتی مقید و اعتدالی دانسته و معتقدند که تبیان بودن قرآن ناظر به حوزه هدایت و تربیت انسان ها است، نه دانش های تجربی بشری. پیداست که هر دو دیدگاه فوق، از یکسو در موضوع کامل بودن و جامعیت قرآن کریم با یکدیگر اشتراک و اتفاق نظر دارند و از سوی دیگر در تعیین قلمرو و دامنه این شمول بلکه در فهم مدلول واقعی آن با یکدیگر اختلاف نظر جدی و عمیقی دارند که ریشه

آن را باید ناشی از وجود تفاوت‌های بینشی و نگرشی طرفداران هر یک از این آراء و نظرات در حوزه معرفت‌شناسی قرآن به‌ویژه در هدف شناسی نزول آن قلمداد نمود؛ چرا که در سایه شناخت حقایق معارف وحی و همچنین آگاهی از رسالت قرآن و اهداف نزول آن، کشف و درک مفهوم جامعیت قرآن و نیز گستره آن، سهل‌تر و ملموس‌تر بوده و در عین حال از قابلیت بیش‌تر و بالاتری برای عرضه همگانی و نمایش جهانی آن برخوردار خواهد بود.

لذا اهمیت و ضرورت تمرکز و توجه جدی به مسئله جامعیت قرآن به اندازه‌ای است که به جرأت می‌توان ادعا نمود که کارآمدی سایر مباحث کلیدی قرآن شناختی همانند جهانی و جاودانه بودن قرآن، اعجاز قرآن، اصالت قرآن و نیز فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن تحت‌الشعاع و در گرو فهم دقیق و همه‌جانبه جامعیت قرآن و درک صحیح از دامنه و گستره آن بر وفق بیان روشنگرانه خود قرآن است؛ چرا که اساساً این اصل جامعیت قرآن کریم است که از یکسو جایگاه و نقش سخت‌افزاری و زیربنایی را برای دانش‌های تخصصی و بنیادین قرآن ایفاء می‌نماید و از سوی دیگر تنها با اعتقاد و اعتماد به جامعیت منطقی این کتاب مقدس است که هویت مستقل و نیز ماهیت ماورایی و وحیانی قرآن به‌عنوان دیگر ویژگی ممتاز و منحصر به‌فرد آن در مقایسه با سایر کتب آسمانی متجلی‌تر و فراگیرتر خواهد شد. این در حالی است که مقوله جامعیت قرآن کریم همواره به‌عنوان یک اصل بنیایی و مبحث مستقل در آراء و آثار مفسرین و قرآن پژوهان فریقین مورد اهتمام و توجه جدی قرار نگرفته و به دامنه و گستره آن نیز در حد مطلوب پرداخته نشده است و احیاناً آنچه در نگاه‌های برخی از عالمان مسلمان مشاهده می‌شود نه به‌عنوان یک موضوع و مسأله مستقل، بلکه عموماً به صورت گذرا و مختصر و در عین حال تحت‌الشعاع مباحث روش تفسیر علمی قرآن وارد شده که آن هم در بسیاری از موارد از آسیب‌ها و تهدیدهای احتمالی پیش رو مصون نمانده است.

از سویی دیگر در مسیر مطالعه و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان و قرآن‌شناسانی که در ادوار مختلف تاریخی، مسأله جامعیت قرآن را مورد اهتمام و توجه درخوری قرار داده‌اند، دیدگاه قرآن‌شناختی امام خمینی به‌عنوان اسلام‌شناسی جامع‌الاطراف در عصر حاضر از نمود و جامعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، هر چند که بلندای افق اندیشه‌های امام در عرصه قرآن پژوهی به موازات سایر عرصه‌های اسلام‌شناختی، همچون فقه و اصول و عرفان و سیاست مورد شناخت و روشنگری قرار نگرفته و در عین حال یک اثر مستقل قرآنی به غیر از تفسیر ناتمام سوره

فاتحة الكتاب از ایشان به یادگار نمانده است، اما مطالعه و غور در مجموع آثار مکتوب و غیر مکتوب آن بزرگوار حکایتگر اوج و عمق اندیشه‌ها و باورهای ناب قرآن شناختی ایشان در حوزه علوم و معارف قرآن است که تبیین و تدقیق مسأله جامعیت قرآن کریم، شاهد گویایی بر این مدعاست. از همین روی پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تبیین مسأله جامعیت قرآن در آرای اندیشمندان فریقین و تقریر مواضع و ادله آنان پیرامون حدود و حریم این جامعیت، مفهوم و گستره جامعیت قرآن را در نگاه و نگرش قرآن شناختی امام خمینی بررسی و تحلیل نماید تا از رهگذر این تحقیق از یکسو زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ترسیم و تصویر هر چه بیش تر مبانی اندیشه‌های قرآنی ایشان که تا حدی ناشناخته مانده فراهم شود و از سوی دیگر بر نقش بی‌بدیل و بنیادین آموزه‌های بلند قرآن و عترت^(ع) در شکل‌گیری قیام قرآنی ملت و سرانجام پیروزی انقلاب اسلامی مطابق با فهم و قرائت امام خمینی از مقوله جامعیت قرآن تأکید و تمرکز نماید تا آنکه این بُعد از بینش قرآنی - انقلابی بنیانگذار جمهوری اسلامی همواره به‌عنوان چراغی پر فروغ و الگویی جامع در مسیر تشکیل حکومت قرآنی فرا راه تمام آزادیخواهان مسلمان قرار داده شود.

۲) جامعیت قرآن در آراء و آثار قرآن پژوهان

رویکرد عالمان قرآن پژوه به مسأله جامعیت قرآن در ادوار مختلف تاریخ را می‌توان از لابه‌لای آراء و آثار قرآنی - تفسیری آنان جستجو و دریافت نمود. به گونه‌ای که برخی از آنان به اجمال و اختصار در مقدمه و دیباچه آثار خویش آن را متذکر شده‌اند و بعضی دیگر نسبتاً و تا حدودی به‌طور مستقل و مبسوط در متن آیات مربوطه، بدان پرداخته و استناد جسته‌اند. لیکن آنچه در جریان مطالعه تحقیقات قرآن شناختی این اندیشمندان اسلامی مشاهده می‌گردد، چنین می‌نماید که آنان در نگرش مفهوم شناختی خویش از مقوله جامعیت قرآن یکصدا و یکنواخت نبوده‌اند و علاوه بر آن در تعیین و ترسیم دامنه و گستره این جامعیت نیز به اشتراک و اتفاق نظر یکسانی نائل نیامده‌اند آن‌چنان که هر گروهی بر فهم و فرض خاص خویش از آفاق جامعیت این کتاب مقدس پای فشرده‌اند. از همین روی، با بررسی و ملاحظه مجموع نگاه‌ها و نگاشته‌های علمای فریقین، دو دیدگاه عمده درباره جامعیت قرآن کریم به‌دست می‌آید که یک دیدگاه بر جامعیت حداکثری قرآن و دیگری بر جامعیت اعتدالی قرآن اعتقاد دارد که مشروح آراء و ادله هر یک ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱) جامعیت عام و مطلق قرآن

طرفداران این دیدگاه بر این باورند که قرآن کریم از یک جامعیت عام و فراگیری برخوردار است که شامل علوم و دانش‌های گوناگون موجود، اعم از علوم الهی و علوم بشری می‌شود به گونه‌ای که معتقدند همه علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف حتی علوم تجربی و حسی را از لابه‌لای آیات قرآن، کشف و استخراج نمود. لذا این دسته از علما از یکسو جامعیت قرآن را به معنای جامعیت علمی آن دانسته و از سوی دیگر، گستره و دامنه این جامعیت علمی را فراتر از علوم الهی و مشتمل بر جمیع علوم بشری و قوانین علمی تجربی برآورد نموده‌اند.

از جمله نخستین و مشهورترین شخصیتی که به شدت بر جامعیت عام و مطلق قرآن پای فشرده و این کتاب مقدس را جامع همه علوم بشری تجربی می‌داند، ابوحامد غزالی است. وی که سعی دارد تا نشان دهد تمام دانش‌های بشری را می‌توان از قرآن استخراج و استنباط نمود، چنین می‌نویسد: «إِنَّ كُلَّ مَا أَشْكَلَ فَهَمَهُ عَلَى النَّظَرِ وَ اِخْتَلَفَ فِيهِ الْخَلِيقُ فِي النَّظَرِيَّاتِ وَ الْمَعْقُولَاتِ فَفِي الْقُرْآنِ إِلَيْهِ رَمُوزٌ وَ دَلَالَاتٌ عَلَيْهِ» (غزالی ۱۴۰۲ ج ۳: ۱۸-۱۶) وی در عین حال مدعی است که کلیه دانش‌های متقدمین و علمی که مقارن با نزول قرآن موجود بوده و علاوه بر آن سایر دانش‌هایی که بعد از قرآن، مکشوف خواهد شد جملگی در قالب تصریحات و یا اشارات قرآن، نازل شده است (نصیری ۱۳۹۲ ج ۳: ۳) غزالی که در ذیل مبحث آداب تلاوت قرآن از وجود علوم فراوان در این کتاب آسمانی، سخن می‌گوید، به این حد از ادعای خویش اکتفا نکرده و در نقلی از عالمان که خود نیز ظاهراً با آنان موافقت دارد- چنین می‌آورد که در قرآن هفتاد و هفت هزار و دو بیست علم وجود دارد چون برای هر کلمه‌ای علمی است و با محاسبه ظاهر و باطن کلمه و نیز حد و مطلع آنها عدد یاد شده چهار برابر نیز می‌شود (غزالی ۱۴۰۲ ج ۱: ۲۸۹) غزالی بر همین اعتقاد مبتنی بر جامعیت حداکثری قرآن در دیگر اثر خویش، اصرار ورزیده و این گونه اظهار می‌دارد که ریشه‌های علمی نظیر: طب، هیئت جهان، هیئت بدن حیوانات و تشریح اعضای آنها، علم سحر، طلسمات و غیر این‌ها، خارج از قرآن نیست (غزالی بی‌تا: ۲۵). و شواهد و نمونه‌های فراوانی از آیات وحی در ارتباط با علوم مختلف بیان می‌کند که استخراج علم پزشکی از آیه «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء: ۸۰) از این قبیل است.

ابوالفضل مرسی از دیگر مفسرین مسلمانی است که هم‌صدا با غزالی بر جامعیت علمی قرآن اذعان داشته و آن را جامع علوم اولین و آخرین حتی حرفه‌ها و صنایع گوناگون دانسته است. او

می‌نویسد: «و قد احتوی القرآن علی علوم أخرى من علوم الأوائل مثل الطب و الهيئة و الهندسة و الجبر و المقابلة و النجامة و سائر الحرف و الصناعات» (ذهبی ۱۳۹۶ ج ۲: ۴۸۲-۴۷۸؛ معرفت ۱۳۷۴ ج ۶: ۱۵) وی که بر استخراج علوم بشری و قوانین علمی تجربی از قرآن اصرار و اهتمام دارد، آن چنان افراط گرایانه به سمت جامعیت عام و حداکثری قرآن به پیش می‌رود که برای بسیاری از حرف و مشاغل زمینی و دنیوی همانند خیاطی، نجاری، صیادی، آهنگری، کشاورزی و دریانوردی، آیات آسمانی و وحیانی را متذکر می‌شود که استفاده از حروف مقطعه قرآن برای اثبات علم جبر شاهی بر این مدعاست (رضایی اصفهانی الف ۱۳۸۵: ۴۴) از دیگر شخصیت‌هایی که به دفاع از نظریه جامعیت حداکثری و فراگیر قرآن با تمرکز بر جامعیت علمی آن برخاسته، بدرالدین زرکشی است که ضمن اعتقاد به استخراج تمامی علوم از قرآن، از آیه «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (زلزله: ۱) زمین لرزه سال ۷۰۲ هجری قمری را پیشگویی کرده است (زرکشی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۸۱). قرآن پژوه دیگری که به همراهی و هم‌صدایی با غزالی و مرسی در پذیرش دیدگاه پیش گفته آنان برخاسته، جلال‌الدین سیوطی است که از رهگذر اعتراف به اشتغال قرآن بر جمیع علوم حسی و تجربی، به تقویت نظریه جامعیت مطلق قرآن در آثار علمی خویش می‌پردازد (سیوطی ۱۴۰۵: ۵) و از آیه «وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا...» (منافقون: ۱۱) استفاده می‌کند که عمر پیامبر اکرم (ص) شصت و سه سال بوده است چرا که این آیه در سوره شصت و سوم قرآن واقع شده است (سیوطی ۱۴۰۷ ج ۲: ۲۸۲-۲۷۱) همچنین از مطالبی که صاحب تفسیر روح‌المعانی در ذیل آیه «... مَا فَطَرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» (انعام: ۳۸) آورده، چنین استنباط می‌شود که وی نیز بر جامعیت عام و حداکثری قرآن گرایش داشته است (آلوسی بغدادی ۱۴۱۵ ج ۴: ۳۹). در میان معاصرین نیز تنها مفسری که به آراء قرآن‌شناختی غزالی در استخدام علوم مختلف تجربی بشری برای تفسیر آیات قرآن گرایش و وابستگی شدیدی پیدا کرده، طنطاوی است به گونه‌ای که وی حتی عنوان کتاب تفسیری خویش یعنی *الجواهر فی تفسیر القرآن* را از *جواهر القرآن* غزالی اقتباس می‌نماید. استفاده از دانش‌های حسی تجربی که در تفسیر طنطاوی به اوج خود رسیده به حدی است که وی در ذیل هر بحث تفسیری، انبوهی از علوم جدید تجربی را در لابه‌لای تفسیر خویش متذکر می‌شود که استخراج علم احضار ارواح از آیات مربوط به گاو بنی‌اسرائیل (بقره: ۷۲-۶۷) را می‌توان نمونه‌ای از اعتقاد وی به جامعیت علمی و حداکثری قرآن، قلمداد نمود. (طنطاوی جوهری بی‌تا ج ۱: ۸۹-۸۴) در میان مفسرین بنام شیعه نیز فیض کاشانی از طرفداران جامعیت حداکثری قرآن به‌شمار می‌رود. ایشان با تمسک به آیات و نیز

روایاتی که بر ذوبطون بودن قرآن (مجلسی ۱۴۰۳ ج ۹۲: ۹۵، ج ۲۳: ۱۹۷)، وجود علوم اولین و آخرین در قرآن (کلینی ۱۳۶۳ ج ۲: ۵۹۹) و نیز وجود تمام علوم مورد نیاز امت در قرآن (عروسی حویزی ۱۳۸۳ ج ۲: ۷۴) دلالت می‌کند، به این دیدگاه به صورت خاص گرایش نشان داده است (فیض کاشانی ۱۴۱۶ ج ۱: ۵۷).

در بررسی زمینه‌ها و دلایل شکل‌گیری نگرش مبتنی بر جامعیت عام و مطلق قرآن با رویکرد و تمرکز بر فراگیربودن قرآن در جمیع علوم حسی و تجربی که از قرن ششم هجری آغاز گردیده - که بعضاً در مواردی جامعیت افراطی نیز به خود گرفته است - علاوه بر ضرورت توجه و تدبر جدی در عوامل ذاتی درون متنی از قبیل دلالات ظواهر آیات و روایات، زمینه‌ها و عوامل عرضی برون متنی و خارجی پیدایی این دیدگاه قرآن‌شناختی از جمله ملاحظه همه جانبه پیشینه تاریخی پیدایش تفسیر علمی و نیز علل اصلی رشد آن را نباید نادیده انگاشت چرا که تفسیر علمی قرآن که از قرن دوم هجری آغاز گردید به‌طور عمده سه دوره زمانی را طی نموده است: در دوره اول که تا قرن پنجم ادامه داشته تلاش دانشمندان عموماً بر تطبیق قرآن با علوم متمرکز بوده است. در دوره دوم که از قرن ششم آغاز و تا قرن‌ها ادامه داشته برخی از مفسرین به استخراج علوم از قرآن و برخی دیگر به مخالفت با آن اقدام نمودند و دوره سوم از تفسیر علمی که با اوج‌گیری و رشد فوق‌العاده آن همراه بود از قرن هجدهم میلادی و همزمان با شیوع اندیشه تعارض علم و دین در اروپا آغاز و به تبع آن به ضعف و عقب‌نشینی کتاب مقدس و رواج اندیشه‌های الحادی و ضد دینی منجر گردید، عده‌ای از عالمان مسلمان با انگیزه دفاع از قرآن و اثبات نظریه تعامل علم و دین در مکتب اسلام و مقابله با دیدگاه اصالت حس از رهگذر استفاده از علوم و یافته‌های علمی به تفسیر علمی قرآن پرداختند تا از این دریچه نیز به اعجاز علمی قرآن، صحه گذاشته و وحی‌انیت آن را اثبات نمایند (رضایی اصفهانی ۱۳۸۵ ج ۲: ۱۹۳-۱۸۹). در یک قرن اخیر نیز روش تفسیر علمی در جوامع اسلامی مورد اقبال گسترده‌ای قرار گرفته تا جایی که شمار فراوانی از روشنفکران و مفسران و حتی متخصصین علوم تجربی هم به تفسیر و تطبیق آیات با استفاده و استمداد از علوم حسی و تجربی روی آوردند، هر چند که هر گروه و صنفی اهداف خاصی را از این رویکرد تفسیری دنبال می‌کردند. لذا شاید به همین دلایل و جهات پیش گفته شده، بوده است که این شیوه تفسیر که همواره با جذابیت خاص و علاقه وافری برای جوانان و به‌ویژه اقشار تحصیل کرده و متخصصین فنون مختلف همراه بوده در طول تاریخ از رشد یکسانی برخوردار نبوده است بلکه گاهی تحت

تأثیر عواملی اوج گرفته و در ادواری دیگر، رونق خود را از دست داده است تا آنجا که گرایش افراطی اعتقاد به جامعیت عام قرآن از دوره دوم تفسیر علمی را که عمدتاً مبتنی بر تحمیل آراء و فرضیات ظنی علوم طبیعی بر قرآن و تأویل نادرست آیات آن بوده است باید در ردیف عوامل اصلی انحراف و انسداد باب تفسیر علمی قرآن دانست.

۲-۲) جامعیت خاص و نسبی قرآن

برخلاف دیدگاه پیش گفته، طرفداران این نظریه بر این باورند که با توجه به اصل مهم هدف‌شناسی نزول قرآن، مقصود خداوند از تبیان کل شیء بودن قرآن، جامعیت خاص و نسبی آن است نه جامعیت مطلق و فراگیر آن؛ چرا که قرآن، کتاب شریعت و هدایت است و در مسیر هدایت و تربیت جوامع بشری، جامع تمام قوانین و اصولی است که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در دایره هدایت و تأمین سعادت انسان‌ها تعریف و تبیین می‌شود. بنابراین، این عده از صاحب‌نظران از یکسو جامعیت قرآن را به مفهوم جامعیت هدایتی و تشریحی قرآن کریم اخذ نموده و از دیگر سو، قلمرو و دامنه این جامعیت را شامل و در بردارنده کلیات برنامه زندگی سعادت‌مندان و جاودانه جوامع انسانی می‌دانند که در طول دوران حیات خود بدان برنامه جامع، نیاز و دسترسی داشته باشند. دیدگاه قرآن شناختی مبتنی بر عقیده جامعیت خاص و نسبی قرآن که از آن به دیدگاه جامعیت اعتدالی نیز تعبیر می‌شود، در پی آن است که ادعای جامعیت قرآن را به لحاظ نوع رسالت و مأموریتی که این کتاب آسمانی داراست، ناظر و مختص به جنبه هدایتی و رشد اخلاقی و معنوی بشر در مقایسه با سایر شئون و ابعاد زندگی انسان‌ها، تفسیر نماید همچنان که مثلاً اگر ادیب نحوی کتابی بنگارد و در مقدمه آن ادعا کند که همه چیز در این اثر جمع شده، قطعاً اطلاق مدعای وی ناظر به تمام مطالب و قواعدی است که به دانش نحو مربوط می‌شود، حال اگر مخاطبی انتظار داشته باشد که مباحث ریاضی و هندسه را در آن بیابد، توقعی نابجا خواهد بود.

باور به جامعیت اعتدالی و نسبی قرآن را می‌توان در کلام و آثار بسیاری از قرآن پژوهان و صاحب‌نظران اسلامی جستجو نمود: در همین راستا شیخ طبرسی عالم برجسته شیعه را باید از جمله شخصیت‌های تفسیری دانست که به جامعیت هدایتی و شرعی قرآن رأی داده و آیه «...وَتَرْكُنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبَيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل: ۸۹) را اینگونه تفسیر می‌کند: «معناه: لیکن کلی شیء یحتاج الیه من أمور الشرع» (طبرسی ۱۴۱۵ ج: ۶: ۳۸۰) این در حالی است که بر اساس تفسیر فوق، جامعیت

هدایتی و تشریحی قرآن بدین معناست که قرآن در مسیر هدایت بشریت، استراتژی‌ها و خطوط کلی مسائل را یادآور شده و تعیین و تبیین جزئیات آنها را به سنت نبوی (ص) واگذار نموده است آنجا که خود قرآن نیز این مطلب را به روشنی متذکر شده است: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل: ۴۴) همچنان که این عالم شیعی در ادامه سخن پیشین خود به این مطلب هم توجه داده و گفته است: «فانه ما من شیءٍ یحتاج الخلق الیه فی امر من امور دینهم، الا و هو مبیین فی الكتاب، اما بالتنصیص علیه، أو بالإحالة علی ما یوجب العلم من بیان النبی (ص) و الحجج القانمین مقامه» (طبرسی ۱۴۱۵ ج ۶: ۳۸۰).

صاحب *تفسیر الکشاف* نیز که به جامعیت اعتدالی و نسبی قرآن، گرایش نشان داده است چنین می‌نویسد: «منظور از تبیان کلّ شیء در قرآن، جامع مسائل مربوط به حوزه هدایت و دین است» (زمخشری بی‌تا ج ۲: ۶۲۸) محمد بن جریر طبری و فخررازی از دیگر مفسران اهل سنت نیز هر یک در آثار خویش بر جامعیت نسبی و اعتدالی قرآن پای فشرده‌اند (طبری ۱۴۲۵ ج ۱۴: ۲۱۴؛ فخررازی ۱۳۷۹ ج ۱۹: ۱۰۲). ابواسحاق شاطبی از جمله دانشمندان اهل تسنن که به‌عنوان اولین و سرسخت‌ترین مخالف تفسیر علمی قرآن به‌ویژه با فهم و قرائتی که غزالی و مرسی از جامعیت فراگیر قرآن ارائه داده‌اند و شهرت یافته است، به نوعی بر جامعیت شرعی قرآن اذعان کرده و چنین می‌گوید: «قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است» (شاطبی بی‌تا ج ۲: ۷۸). و سرانجام علامه طباطبایی نیز ضمن اعتقاد به جامعیت نسبی و اعتدالی قرآن، گستره و دامنه این نوع از جامعیت را در حوزه هدایت و شریعت اسلامی، دانسته و چنین می‌نویسد: «ظاهر آن است که مقصود از کلّ شیء امور است که به هدایت بازگشت داشته و مردم در هدایت‌یابی خود بدان نیازمندند از قبیل: معارف متعلق به مبدأ و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهی و قصص و مواظب که قرآن بیانگر تمام این امور است.» (طباطبایی ۱۳۷۹ ج ۱۲: ۳۴۴) علامه طباطبایی همچنین در دیگر اثر قرآن شناختی خویش از جمله دلایل ارزشمندی قرآن در میان مسلمین را مرهون جامعیت هدایتی و نیز تأمین برنامه جامع زندگی سعادت‌مندان انسان‌ها معرفی می‌نماید (طباطبایی ۱۳۷۵: ۴).

البته آنچه در باب جامعیت نسبی و اعتدالی قرآن و نیز مجموع آراء طرفداران این دیدگاه گذشت، هرگز بدان معنا نیست که هیچ یک از باورمندان به این نگرش قرآن شناختی، از اشارات و قوانین قطعی علوم تجربی و براهین عقلی در مسیر تفسیر و تأویل آیات قرآن استمداد و استفاده نکرده باشند بلکه گروهی از مفسران قدیمی و نیز صاحب‌نظران معاصر که بر جامعیت هدایتی و

شرعی قرآن نیز پای فشرده‌اند، با استفاده از روش تفسیر علمی به تبیین آیات ناظر به مسائل علمی پرداخته و به نوعی در راستای کشف و تقویت هر چه بیش تر جنبه‌های اعجاز علمی قرآن برآمده‌اند که تفسیرهایی همچون: *مجمع‌البیان* (طبرسی ۱۴۱۵ ج ۳: ۲۹۸)، *الکشاف* (زمخشری بی تا: ج ۲: ۶۲۸)، *مفاتیح‌الغیب* (فخررازی ۱۴۱۱ ج ۲: ۹۴)، *المیزان* (طباطبایی ۱۳۷۹ ج ۱۸: ۳۸۲، ج ۱۴: ۲۷۹) و *نمونه* (مکارم شیرازی ۱۳۶۴ ج ۱: ۱۳۱، ج ۱۱: ۴۱۰، ج ۱۲: ۲۷۵) را باید از این دست برشمرد (بنگرید: رضایی اصفهانی ۱۳۷۵: ۴۳).

۳) رویکرد امام خمینی به مسئله جامعیت قرآن

با وجود آنکه دیدگاه‌های قرآن شناختی امام خمینی عمدتاً تحت‌الشعاع اندیشه‌های سیاسی-انقلابی و نیز فقهی و عرفانی ایشان واقع شده و در میان اندیشمندان قرآنی معاصر، کمتر مورد آشنایی و شناخت قرار گرفته است اما باید اذعان نمود که بنیادی‌ترین شاکله تفکر تشکیل حکومت دینی و نیز مهم‌ترین مبانی اندیشه‌های انقلابی امام را باید در اشاره‌ها و پیام‌های جاویدان مکتب انسان‌ساز قرآن و همچنین نگاه جامع ایشان به نقش بی‌بدیل آموزه‌های فراعصری این کتاب مقدس و کاربست دستورات جامع و جاودانه آن تلقی نمود. لذا از جمله مهم‌ترین و بنیادی‌ترین مباحث قرآن شناختی در دیدگاه امام خمینی را می‌توان در تبیین دقیق مسئله جامعیت قرآن جستجو نمود که این امر در اندیشه و کلام ایشان از اهمیت، جایگاه و رویکردی خاص برخوردار است. لذا مطالعه و مذاقه همه جانبه اندیشه‌ها و گفتارهای قرآنی - تفسیری امام خمینی حکایتگر آن است که ایشان، به معنا و مفهوم دوم جامعیت قرآن یعنی جامعیت اعتدالی و خاص قرآن کریم اعتقاد و اصرار دارند نه جامعیت مطلق و فراگیر آن. البته چنین نگرش و بینش قرآن شناختی امام خمینی را می‌توان در باور عمیق و جامع ایشان به اصل ضرورت هدف شناسی نزول قرآن و نیز شناخت رسالت آن به‌ویژه از زبان و بیان خود قرآن جستجو نمود، لذا در دیدگاه امام به همان اندازه که شناخت مکان و منزلت قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است، مقصد شناسی و شناخت رسالت و مأموریت آن نیز از اهمیت بالا و والایی برخوردار است و در این باره چنین می‌فرماید: «ما باید مقصود از تنزیل این کتاب را قطع نظر از جهات عقلی برهانی، که خود به ما مقصد را می‌فهماند، از خود کتاب خدا اخذ کنیم. مصنف کتاب مقصد خود را بهتر می‌داند» (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۳). در این عبارت علاوه بر توجه به ضرورت هدف شناسی نزول قرآن، خود قرآن کریم نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع شناخت مقاصد و مدالیل قرآن مورد تأکید قرار گرفته است چرا که امام بر این

باور است که مصنف قرآن یعنی خداوند متعال، هدف از انزال کتاب خویش را در آن تبیین نموده است:

اکنون به فرموده‌های این مصنف راجع به شئون قرآن نظر کنیم، می‌بینیم خود می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ...» این کتاب را کتاب هدایت خوانده، می‌بینیم در یک سوره کوچک چندین مرتبه می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ يُسْرًا الْفُرْقَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» می‌بینیم می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ يُتَيْنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَكَأَلْفِ تَقْوُونَ» می‌فرماید: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۴-۱۹۳).

در این فراز، امام خمینی با استناد و استشهاد به نصوص صریحه آیات وحی، رسالت و مأموریت هدایتی قرآن کریم را به‌عنوان سرفصل مهم هدف شناسی نزول این متن مقدس یادآور می‌شود. این در حالی است که باورمندی به جامعیت نسبی و اعتدالی قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت و شریعت را می‌توان با روشنی و صراحت هرچه تمامتر در تعبیر امام خمینی مشاهده نمود آنجا که در این باره چنین می‌فرماید: «بدان که این کتاب شریف، چنانچه خود بدان تصریح فرموده، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانی و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی‌الله است» (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۸۴). بنابراین، مبنای گرایش امام خمینی به طرفداری و دفاع از نظریه جامعیت اعتدالی و هدایتی قرآن کریم را باید در نگرش کلان ایشان به شئون و رسالت‌های خاص قرآن از رهگذر رسالت هدایتی و نیز رسالت تربیتی - معرفتی قرآن جستجو نمود، همچنانکه تلویحاً و به‌طور غیرمستقیم می‌توان دیدگاه امام در تخطئه نظریه جامعیت عام و حداکثری قرآن را از کلام قاطع ایشان، استقصاء و استنباط نمود:

صاحب این کتاب سگاکمی و شیخ نیست که مقصدش جهات بلاغت و فصاحت باشد؛ سیویه و خلیل نیست تا منظورش جهات نحو و صرف باشد؛ مسعودی و ابن خلکان نیست تا در اطراف تاریخ عالم بحث کند؛ این کتاب چون عصای موسی و ید بیضای آن سرور، یا دم عیسی که احیاء اموات می‌کرد نیست که فقط برای اعجاز و دلالت بر صدق نبی اکرم آمده باشد؛ بلکه این صحیفه الهیه کتاب احیاء قلوب به حیات ابدی علم و معارف الهیه است، این کتاب خدا است و به شئون الهیه جلّ و علا دعوت می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۴).

۴) قلمرو جامعیت قرآن در بیان امام خمینی

امام خمینی که همواره بر ماهیت آسمانی و حقیقت ماورایی قرآن کریم اذعان داشته و با تکیه بر وحيانیت قرآن، آن را جامع برنامه های کلام هدایتی و تربیتی بشر در محور جامعیت اعتدالی و منطقی توصیف نموده است، به تبیین و تحلیل ابعاد و مؤلفه‌هایی از دامنه جامعیت هدایتی قرآن پرداخته است که از عمق آگاهی و شناخت همه جانبه ایشان از مجموع ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و کارآمدهای تام و تمام قرآن در حوزه‌ها و شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها حکایت دارد.

۴-۱) جامعیت تبیینی قرآن

مراد از جامعیت تبیینی قرآن در دیدگاه امام آن است که ایشان از رهگذر اعتقاد به تبیان کلّ شیء بودن قرآن، این کتاب آسمانی را بیان‌کننده همه سؤالات و نیازمندی‌های بشریت برای رسیدن به سعادت و کمال حقیقی وی می‌داند که احکام و دستورات هر یک در قرآن به روشنی انعکاس یافته است. آنجا که امام چنین می‌فرماید:

قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد. در کافی فصلی است به‌عنوان «تمام احتیاجات مردم در کتاب و سنت بیان شده است» و «کتاب» یعنی قرآن، «تبیان کلّ شیء» است. روشنگر همه چیز و همه امور است. امام سوگند یاد می‌کند (طبق روایات) که تمام آنچه ملت احتیاج دارد در کتاب و سنت هست و در این شکی نیست (امام خمینی ۱۳۸۱: ۲۹).

امام خمینی علاوه بر بیان گستره جامعیت تبیینی قرآن در مرحله نظری به این جامعیت در مرحله عینی و عملی در منطوق رفتاری و رسالی انبیاء الهی نیز اشاره نموده که این موضوع چگونه در آموزه‌های مربوط به نبوت عامه و همچنین آموزه‌های جامع‌نگرانه قرآن مورد اهتمام جدی قرار گرفته است و از این جهت میان قرآن و سنت، ترابط و تعامل جامعی از حیث مقصدشناسی وجود دارد:

انبیا هم همان چیزهایی که مربوط به روح و مربوط به مقامات عقلیه و مربوط به مراکز غیبیه است برای ما بیان کرده‌اند، و قرآن هم بیان کرده است و اهلش می‌دانند، و هم آن چیزهایی که وظایف شخصیه است و دخیل در

ترقیات انسان و تکامل انسان است، در سنت و در کتاب بیان شده است و هم آن چیزهایی که مربوط به اجتماع است و امور سیاسی است و امور اجتماعی است و راجع به تنظیم و تربیت اجتماع است، بیان فرموده است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۳۷).

۲-۴) جامعیت تربیتی قرآن

با مطالعه نگاه‌ها و نگاه‌شسته‌های قرآن شناختی امام خمینی باید اذعان نمود که بیش‌ترین حجم از سخنان و مکتوبات ایشان در خصوص تبیین گستره و قلمرو جامعیت قرآن به بیان مؤلفه‌های جامعیت تربیتی قرآن اختصاص یافته است تا جایی که امام نیز دامنه جامعیت تربیتی و معرفتی قرآن را متمایزتر و ممتازتر از سایر ابعاد و شئون جامعیتی آن دانسته است که البته خاستگاه چنین بینشی را باید در پافشاری ایشان بر اصل جامعیت خاص و اعتدالی قرآن جستجو نمود. از این رو، امام درباره جامعیت تربیتی و معرفتی قرآن چنین می‌فرماید:

قرآن شریف، با آنکه جامع همه معارف و حقایق اسماء و صفات است و هیچ کتاب آسمانی و غیر آن، مثل آن، معرفتی ذات و صفات حق تعالی را ننموده و همین‌طور جامع اخلاق و دعوت به مبدء و معاد و زهد و ترک دنیا و رفض طبیعت و سبک بار شدن از عالم ماده و رهسپار شدن به سرمنزله حقیقت است، به‌طوری که مثل آن متصور نیست؛ معذکک چون سایر کتب مصنفه مشتمل نشده بر ابوابی و فصولی و مقدمه و خاتمه و این از قدرت کامله منشی آن است که محتاج به این وسایل و وسایط در القاء غرض خود نبوده. و از این جهت می‌بینیم که گاهی با نصف سطر، برهانی را که حکماء با چندین مقدمات باید بیان کنند، به‌صورت غیر شبیه به برهان می‌فرماید (امام خمینی ۱۳۸۲: ۶۳-۶۲).

در عبارات فوق که صراحتاً از جامعیت قرآن با تعبیر «قرآن شریف جامع همه معارف و حقایق» یاد شده است، امام خمینی از یکسو با نگاهی ژرف و عمیق و در عین حال جامع و تفصیلی به جامعیت تربیتی و معرفت شناختی قرآن با تکیه بر یادکرد آن از معارف و حقایق توحیدی در قالب‌های شناخت اسماء و صفات الهی پرداخته و سپس با نگاهی مقایسه‌ای و مقارنه‌ای میان قرآن، این کتاب مقدس و آسمانی با سایر کتاب‌های آسمانی و غیر آن از ابتدا تاکنون چنین استنباط و

استنتاج می‌نماید که هیچ کتاب آسمانی و غیر آسمانی در معرفی جامعیت ابعاد و زوایای پیدا و پنهان مسائل خدا شناختی و توحیدی همانند قرآن نیست و به پای آن نمی‌رسد و از سوی دیگر، با رویکردی ریزبینانه و تیزبینانه نسبت به مهم‌ترین و کاربردی‌ترین مباحث تربیتی قرآن، همانند اخلاقیات، مرگ اندیشی و آخرت‌گرایی این بخش از آموزه‌های ظریف و دقیق قرآن را در اوج کمال و جامعیت آن با رویکردهای تربیتی، معرفتی و هدایتی بیان می‌کند به گونه‌ای که قرآن کریم را طلایه‌دار و تک‌سوار میدان مقایسه با کتاب‌های پیشین آسمانی و غیر آسمانی می‌داند. امام خمینی در بیانی دیگر، قلمرو جامعیت تربیتی و اخلاقی قرآن را این‌گونه توصیف می‌نماید: «کتابی است که آدمی باید از اینجا تا آخر دنیا و تا آخر مراتب حرکت بکند، یک همچون کتابی است که هم معنویات انسان را درست می‌کند و هم حکومت را درست می‌کند». همه چیز توی قرآن هست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۴۹). و در فرازی دیگر، قرآن را معلّم انسان‌ها و نیز نسخه‌ی تربیت بشر، معرفی و چنین می‌فرماید: «انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تأمین بکند، انسان یک اعجوبه‌ای است که همه عالم است، و قرآن یک اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه افشار می‌کند. در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند، شمشیر زن درست می‌کند، جنگجو درست می‌کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۲۸۷). ایشان در بیانی دیگر، به جنبه خاصی از جامعیت تربیتی قرآن متناسب با شخصیت نامحدود انسان اشاره و چنین می‌فرماید: «انسان غیر محدود است و مربی انسان غیر محدود است و نسخه‌ی تربیت انسان که قرآن است غیر محدود است، نه محدود به عالم طبیعت و ماده است، نه محدود به عالم غیب است، نه محدود به عالم تجرد است، همه چیز است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۲: ۴۲۲).

دقت و تأمل در این قسمت از بیانات قرآن شناختی امام نشانگر آن است که ایشان از یکسو به عظمت و کرامت انسان و شگفتی‌ها و پیچیدگی‌های عالم خلقت انسان اشاره می‌کند و این آفریده را اعجوبه‌ای از اعجوبه‌های عالم آفرینش معرفی می‌کند که مدار همه عالم در منظومه آفرینش است و از سوی دیگر، قرآن را نیز از دیگر اعجوبه‌های هستی معرفی می‌کند که در راستای تأمین برنامه سعادت‌بخش زندگی انسان فرو فرستاده شده است. لذا در این سخن امام، میان انسان و قرآن یک رابطه تنگاتنگ منطقی برقرار شده که هر دو مظهری از مظاهر خلقت و اراده الهی بوده و از آنجا که انسان اشرف مخلوقات و مدار آفرینش است، تنها قرآن کریم است که از صلاحیت تعلیم و تربیت انسان‌ها و تأمین نیازهای آنان برخوردار است. این در حالی است که امام از زاویه و دریچه

دیگری به ارتباط هماهنگ و مستقیم میان انسان و قرآن اشاره نموده و نسخه تربیتی انسان را به دست قرآن می‌داند؛ زیرا انسان را موجودی غیرمحدود می‌داند که باید مربی وی نیز غیرمحدود باشد و این نامحدود بودن را فقط قرآن که از جامعیت تربیتی و هدایتی برخوردار است، می‌تواند عهده‌دار باشد. چرا که ایشان قرآن را جامع تمام معارف دانسته و می‌فرماید: «قرآن، مشتمل بر تمام معارف است و تمام مایحتاج بشر است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۲۴۹).

۳-۴) جامعیت تقنینی قرآن

امام خمینی بر این باور است که قرآن کریم در باب قانونگذاری و قوانین موضوعه نیز از چنان جامعیت و شمولی برخوردار است که می‌تواند در سایه تبیین قوانین الهی، سعادت و زندگی انسان را در تمام مراحل حرکت وی تأمین نماید، بدون آنکه از مأموریت هدایتی و تربیتی خویش خارج و یا منحرف شود. از این رو امام جامعیت تقنینی قرآن را اینگونه تبیین می‌نماید:

قانون‌های کلی اساسی مانند قانون مالیات و قانون قضا و قانون نظام و قانون ازدواج و طلاق و قانون میراث و قانون معاملات از قبیل تجارت و اجاره و صلح و هبه و مزارعه و شرکت و مانند آنها و قانون ثبت و قانون مجازات عمومی مانند حدود و قصاص و قانون تبلیغات و قانون جلوگیری از منکرات مانند شرب مسکرات و قمار بازی و ساز و نواز و زنا و لواط و سرقت و خیانت و قتل و غارت و قانون تطهیر و نظیف و قانون کلی عبادات مانند: نماز و روزه و حج و وضو و غسل و امثال آنها، همه در قرآن وارد است (امام خمینی بی تا: ۳۱۵).

امام خمینی در این بخش از بیانات خویش از یکسو، دین اسلام و حکومت اسلامی را دین قانون و حکومت مبتنی بر قانون‌مداری معرفی کرده و از سوی دیگر، قرآن کریم را مشتمل و دربردارنده قوانین کلی اساسی در تمامی ابعاد زندگی و مراحل حرکت انسان در مسیر هدایت، پیشرفت و توسعه مدنی می‌داند. قوانینی که قرآن چیزی از آنها را فروگذار نکرده است شامل قوانین حقوقی و مدنی، قوانین خانوادگی و اجتماعی، قوانین اقتصادی، قوانین فرهنگی، قوانین عبادی و تربیتی و حتی قوانین بهداشتی و نظام سلامت بشریت است. بنابر عقیده امام از آنجا که قرآن کریم از جامعیت و هماهنگی کاملی در برنامه‌ریزی و هدایت انسان‌ها در مسیر ایصال آنان به

زندگی سعادت‌مندانه و تکاملات معنوی و اجتماعی برخوردار است، امکان ندارد که برای این سیر پیشرفت و تعالی از حیث قانون مداری و برنامه محوری، عاری و خالی باشد، بلکه برعکس، این کتاب آسمانی در کنار برخورداری از جامعیت تبیینی و نیز جامعیت تربیتی و معرفتی از چنان ظرفیت و جامعیت بالای تقنینی نیز بهره‌مند است که برای آحاد بشر از حیث زندگی فردی و زندگی اجتماعی و مدنی در تمام سطوح و ابعاد آن، با ارائه نمونه‌ها و الگوهای موفق جوامع الهی و توحیدی که بر منهج قانون‌گرایی حرکت کرده‌اند، برنامه جامع و مدونی را طراحی و عرضه می‌نماید که مبانی و زیرساخت‌های کلی این قوانین در شئون گوناگون حیات دنیوی و اخروی انسان‌ها قابل احصا و اجراست به گونه‌ای که در این برنامه‌ریزی قانون‌مدارانه خویش، همه زوایای زندگی و دریچه‌های رشد و نیز استعدادهای بالقوه و بالفعل انسان‌ها را لحاظ کرده و حتی از بیان مسائل بهداشتی و سلامت فردی آنان نیز غفلت نکرده است.

امام خمینی در فرازی دیگر، از حیث جامعیت و اثرگذاری، منابع اصیل و بنیادی معارف اسلامی نظیر قرآن و حدیث را بیش از پرداخت‌ها و اجتهادات دانشمندان اسلامی در طول اعصار و قرون متمادی دانسته و می‌فرماید: «قرآن و کتاب‌های حدیث، که منابع احکام و دستورات اسلام است، بار ساله‌های عملیه، که توسط مجتهدین عصر و مراجع نوشته می‌شود، از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌تواند داشته باشد به کلی تفاوت دارد، نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن، از نسبت صد به یک هم بیشتر است.» (امام خمینی ۱۳۸۱: ۱۱) از این رو، امام با اعتقاد به فراگیر بودن موضوعات قرآنی که اکثریت این موضوعات به مباحث اجتماعیات قرآن برمی‌گردد و تنها بخشی از آیات به مسائل عبادی و احکام عملی اشاره و اشمال دارند، درصدد آن برآمده که موضوع اجتماعیات قرآن را با مقوله وضع قوانین کلی حیات بشری پیوند دهد که این امر به معنی قانونگذاری قرآن در مسائل و شئون گوناگون حیات اجتماعی انسان‌هاست. به هر حال ایشان معتقدند که قرآن در بحث قانونگذاری جامعیت دارد، از این جهت که قوانینی را که لازم بوده به صورت کلی بیان کرده و تبیین جزئیات آن را برعهده پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) گذاشته است همچنان که خود قرآن کریم نیز در این باره می‌فرماید: «بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...» (نحل: ۴۴) و از امام باقر (ع) نیز روایت شده که می‌فرماید: «تبیین قرآن با حضرت رسول اکرم (ص) و سپس برعهده ماست، هر وقت نیازمند تفسیر آن بودید به ما مراجعه کنید» (فرات کوفی ۱۴۱۰: ۲۵۸). امام خمینی درباره جامعیت تقنینی قرآن در فرازی دیگر، آن

را با منطق عقل و خرد مورد مذاقه و تأکید قرار داده و جهانشمولی قوانین قرآن و مکتب اسلام را بر اساس گواه خرد و حتی گواه تاریخ، مورد استناد، استشهاد و داوری قرار داده چنین می‌فرماید:

ما گواه از خرد داریم بر اینکه قانون اسلام امروز هم برای تمام بشر قانون است و باید همه بر آن به ناچار گردن بنهند، پس از آنکه به حکم روشن عقل برای بشر قانون لازم است و جهان و جهانیان نیازمند به دستور و قانونند و کشورهای جهان را بدون قانون اداره نتوان کرد، می‌گوییم خدای جهان آیا حق قانونگذاری برای بشر دارد یا ندارد؟ اگر بگویید ندارد علاوه بر آنکه برخلاف حکم خرد سخن رانیدید و خدا را بی‌ارح شمردید، می‌گوییم پس چرا در قرآن و دیگر کتاب‌های آسمانی برای بشر قانون فرستاد و برخلاف وظیفه خود رفتار کرد. ناچار باید بگوییم خدا حق قانونگذاری دارد (امام خمینی بی تا: ۳۰۸).

۴-۴) جامعیت فرا زمانی و فرا مکانی قرآن

امام در نگاه قرآن شناسی خویش، تمام تعالیم و آموزه‌های اخلاقی، تربیتی، معرفتی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جهادی و حقوقی قرآن را فراتر از محدودیت‌های عصری و یا مرزهای جغرافیایی دانسته و قرآن را کتاب هدایت برای همه عصرها معرفی می‌نماید. بر این مبنا، ایشان بر جامعیت زمانی و مکانی قوانین و معارف حقه قرآن، پای فشرده و آن را راهنمای همیشگی بشریت در طول تمامی اعصار و قرون دانسته که قلمرو جغرافیایی آن تمام سرزمین‌ها و ملت‌ها و ملیت‌های دنیا است. آنجا که می‌فرماید: «آنکه قانون اسلام را آورده است خداست، خداست که محیط بر همه چیزهاست، بر همه اعصار است. قرآن است که کتاب همه اعصار است، دستورات رسول الله است که برای همه اعصار است.» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۱۷۱). امام خمینی ریشه و علت غایی این جامعیت و جاودانگی زمانی قرآن را، ناشی از و حیانت این کتاب آسمانی و همچنین عظمت و قدرت کامله پدید آورنده آن؛ یعنی خداوند متعال می‌داند چرا که قرآن کلام خداست و از آنجا که خداوند دارای مقام احاطه بر تمامی امور عالم است که هیچ‌گاه در کالبد زمان‌ها محدود و محصور نمی‌شود، از این رو، قرآن کریم نیز که رشحه و جلوه‌ای از رشحات عظمت و احاطه قدرت تامه الهی است، از جامعیت فرا زمانی و فرا عصری برخوردار خواهد بود و لذا همانند پدیدآورنده خود در قید زمان، محصور و محبوس نمی‌شود.

امام همچنین از مسئله فرا زمانی و فرا عصری بودن سیره و سنت رسول خدا (ص) به موازات جاودانگی قرآن سخن به میان می‌آورد و بر این باور است که همچنان که اسلام و قرآن از جامعیت زمانی و جغرافیایی برخوردارند، سنت رسول الله (ص) که مهم‌ترین منبع و آبخشور معارف اسلام پس از قرآن است، نیز دستخوش محدودیت‌های زمانی و مکانی نخواهد شد و تا قیام قیامت بر بام عصرها و نسل‌ها حکومت خواهد نمود. همچنان که باور مندی امام مبنی بر جاودانگی و جامعیت قرآن و نیز سنت رسول الله (ص) را به وضوح می‌توان در عبارات صریح خود قرآن، جستجو نمود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان: ۱) و نیز می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷). پیدا است که قرآن کریم، تعالیم فرقانی خویش را به عنوان «نَذِيرًا لِّلْعَالَمِينَ» و مأموریت پیامبر خاتم (ص) را در گستره «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» بیان داشته و سپس هر دو را به جلوه‌گاه ربوبیت الهی، پیوند می‌دهد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (فاتحه: ۲).

امام خمینی در گفتاری دیگر نیز، به شیوه‌ای از جاودانگی و ابدیت تعالیم انسان‌ساز قرآن و به ویژه حکمت این جاودانگی چنین سخن می‌گوید:

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست، و گمان نشود قصد ابراهیم و موسی و محمد (ص) مخصوص به زمان خاصی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۲۰: ۹۳).

علامه طباطبایی نیز در بیانی همسو با بینش امام خمینی درباره جاودانگی و جامعیت فرا زمانی و فرا مکانی قرآن چنین می‌نویسد: «قوانینی که در قرآن برای هدایت بشر مطرح شده است اگر در کتاب دیگری می‌بود، باز می‌توانست برای همه اعصار باشد، قوانین قرآن به گونه‌ای است که انحصار به زمان و مکان خاصی ندارد و همواره پابرجاست» (طباطبایی ۱۳۷۵: ۲۳).

۴-۵) جامعیت قرآن در تمام مصالح انسانی

امام خمینی بر این عقیده است که قرآن جامع و شامل تمام مصالح بشری و ضامن سعادت انسان در دنیا و آخرت است. آنگونه که این کتاب مقدس، از بیان هیچ مصلحتی فروگذار نکرده و برای

ایصال وی به سعادت هر دو جهان، میان مادیت و معنویت، اتصال و پیوند ناگسستنی برقرار کرده است. ایشان در این باره می‌فرماید: «ما یک همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، مصالح اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست، البته با آن تفسیرهایی که از اهل تفسیر وارد شده است و ما به رأی خودمان نمی‌توانیم قرآن را تأویل کنیم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۲۳) ایشان همچنین در بیانی دیگر از جامعیت قرآن در مصالح انسانی سخن گفته و آن را بیمه‌کننده سعادت همه بشریت در دنیا و آخرت معرفی نموده است: «قرآن کریم» ی که سعادت همه بشر را بیمه کرده است. «قرآن کریم» ی که هر کس در زیر بیرق او واقع بشود، در دنیا و آخرت سعید است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۱۰۱). این در حالی است که بر اساس بیان روشنگرانه امام خمینی با تأکید بر جامعیت نسبی و اعتدالی قرآن، می‌توان برنامه جامع قرآن برای رشد همه‌جانبه شخصیت انسان در ابعاد مادی و معنوی را به‌طور دقیق فرا گرفت: «قرآن» کتاب تعمیر مادیت نیست؛ همه چیز است. انسان را به تمام ابعاد تربیت می‌کند، مادیات را قبول دارد، در پناه معنویات؛ و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۳۲).

۵) نتایج مقاله

مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای مقاله حاضر را می‌توان به شرح ذیل، تقریر نمود:

۱. مسئله جامعیت قرآن که از مسلمات اعتقادی متفکرین اسلامی در ادوار مختلف تاریخ تفسیر قرآن است، به‌رغم اهمیت و جایگاه ویژه‌ای که در عرصه مبانی قرآن شناختی داراست، مورد اعتنا و اهتمام درخور و جلدی مفسرین قرآن قرار نگرفت و آنچه که در کتب تفسیری به‌عنوان جامعیت قرآن، انعکاس یافته است عمدتاً تحت‌الشعاع و متداخل در مبحث روش‌شناسی تفسیر علمی آیات بوده است.

۲. هر چند که قرآن پژوهان مسلمان به اتفاق و یک‌صدا بر موضوع جامعیت قرآن، رأی داده‌اند اما بر تعریف یکسانی از مفهوم جامعیت قرآن و نیز تعیین مرزهای مشترکی از قلمرو جامعیت این کتاب آسمانی، دست نیافته‌اند بلکه برخی از آنان در راه‌هایی گام نهاده‌اند که انتقاد شدید سایر عالمان قرآنی را علیه خود برانگیخته‌اند.

۳. به نظر می‌رسد که طرفداران نظریه جامعیت علمی قرآن که بر جامعیت عام و فراگیر آیات قرآن، پای می‌فشارند، در شناخت حقیقت ماورایی و وحیانی قرآن و نیز درک رسالت‌ها و

مأموریت‌های اساسی این کتاب آسمانی به نوعی دچار خطای راهبردی شده‌اند چرا که اساساً اصرار بر چنین نگرشی از یکسو برخلاف نصوص صریحه قرآن مبنی بر اصل هدایت‌گری این کتاب از رهگذر هدف شناسی نزول آن تلقی شده و از سوی دیگر پیامدهای جبران‌ناپذیری از قبیل انگاره‌های بشری بودن و زمینی بودن قرآن را در پی خواهد داشت که قطعاً به تضعیف موقعیت و رسالت جهانی و جاودانه این نازلۀ غیبی منجر خواهد شد.

۴. اگرچه آراء و آثار قرآنی - تفسیری امام خمینی به نسبت سایر ابعاد شخصیتی و علمی ایشان کمتر مورد توجه و پرداخت محققان قرار گرفته است، ولی به جرأت می‌توان مدعی شد که اوج و عمق اندیشه‌ها و دیدگاه‌های قرآنی - تفسیری ایشان در بسیاری از مسائل و موضوعات خطیر قرآن‌شناختی، از ظرافت، جامعیت و نیز ابتکار برخوردار است همچنانکه مسأله جامعیت قرآن، شاهد گویایی بر این مدعاست.

۵. امام خمینی با اعتقاد و اتکاء به اصل هدف شناسی نزول قرآن و نیز درک همه جانبه رسالت آن، قرآن را کتاب هدایت و تربیت انسان‌ها قلمداد نموده و بر جامعیت خاص قرآن در راستای هدایت و تربیت مادی و معنوی بشر تأکید ورزیده است. از همین روی، امام ضمن انتقاد غیر مستقیم و تلویحی به طرفداران دیدگاه جامعیت مطلق و فراگیر قرآن و رد ادله آنان، بر جامعیت اعتدالی و منطقی قرآن رأی داده است.

۶. آنچه در دیدگاه قرآن‌شناختی امام خمینی در خصوص مسأله جامعیت قرآن از اهمیت و اولویت ویژه‌ای برخوردار است، رویکردها و پرداخت‌های جامع، کلان و گسترده‌ای است که ایشان در تعیین دامنه و گستره جامعیت قرآن تبیین و تقریر نموده و همین امر باعث برجستگی و نیز متفاوت و متمایز شدن اندیشه جامعیت قرآن در نگره امام از دیگر صاحب‌نظران اسلامی گردیده است. از همین روی، دامنه و گستره جامعیت قرآن در دیدگاه امام خمینی را می‌توان در مؤلفه‌هایی همچون: جامعیت تبیینی، جامعیت تربیتی، جامعیت تقنینی، جامعیت فرازمانی و فرامکانی و نیز جامعیت در تمام مصالح انسانی جستجو نمود.

۷. نقش اعتقاد به ابعاد و قلمرو گسترده جامعیت قرآن در دیدگاه قرآن‌شناختی امام خمینی در راستای شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به تبع آن تشکیل حکومت دینی را نباید از نظر دور داشت.

منابع

- آلوسی بغدادی، سید محمود. (۱۴۱۵ق) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۱) *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ یازدهم.
- _____ . (۱۳۸۰) *آداب الصلوة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دهم.
- _____ . (۱۳۸۲) *شرح حدیث «جنود و عقل و جهل»*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هشتم.
- _____ . (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- _____ . (بی تا) *کشف اسرار*، تهران: انتشارات مصطفوی.
- ذهبی، محمد حسین. (۱۳۹۶ق) *التفسیر و المفسرون*، بی جا: دارالکتب الحدیث.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۷۵) *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، قم: انتشارات اسوه.
- _____ . (۱۳۸۵) *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- _____ . (۱۳۸۵) *منطق تفسیر قرآن ۲*، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین محمد. (۱۴۱۰ق) *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
- زمخشری، محمد بن عمر. (بی تا) *الکشاف*، بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۴۰۵ق) *الاکلیل فی استنباط التنزیل*، بیروت: دارالمعرفه.
- _____ . (۱۴۰۷ق) *الاتقان فی علوم القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شاطبی، ابواسحاق. (بی تا) *الموافقات*، بیروت: مرکز العربی للکتاب.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۵) *قرآن در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- _____ . (۱۳۷۹) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۵ق) *جامع البیان*، بیروت: دارالفکر.
- طنطاوی جوهری. (بی تا) *الجواهر فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالفکر.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۳۸۳ق) *تفسیر نورالثقلین*، قم: المطبعة العلمیه.
- غزالی، ابوحامد. (۱۴۰۲ق) *احیاء علوم‌الدین*، بیروت: دارالمعرفه.
- _____ . (بی تا) *جواهر القرآن*، بیروت: مرکز العربی للکتاب.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۳۷۹) *مفاتیح الغیب*، تهران: انتشارات اساطیر.

- فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق) *تفسیر فرات کوفی*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۶ق) *التفسیر الصافی*، قم: مؤسسه الهادی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳) *التحافی*، تهران: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق) *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۴) *التمهید فی علوم القرآن*، قم: دفتر نشر اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۴) *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نصیری، علی. (۱۳۹۲) «ویژگی‌های قرآن کریم از نگاه امام خمینی»، *مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی امام خمینی*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.